PM000099

تثبیت دستاوردها و موفقیت انقلاب اسلامی در ابعاد مختلف و تحکیم مبانی سیاسی، اجتماعی نظام جمهوری اسلامی در داخل و خارج از مرزها، موجب شده تا گروهها و دسته‌جات به اصطلاح معاند و مخالف خارج از کشور علیرغم برنامه‌ریزیها، هیاهوها و دریافت کمکهای گوناگون مالی و تبلیغاتی نه تنها نتوانند در اجرای اهداف ضد اسلامی و ضد ملی خود کوچکترین موفقیتی کسب نمایند، بلکه با تکیه بر بینش‌فرمهای خیالی و استناد به طرحها و اطلاعات غلط منابع اطلاعاتی دشمنان هرچه بیشتر در میدان خود ساخته به اصطلاح مبارزه با جمهوری اسلامی ایران ضعیفتر و ناتوان‌تر شوند. با این حال بسیاری از گروههای اپوزیسیون که در کنارنامه اعمالشان جز جنایت و خیانت به مردم چیز دیگری وجود ندارد همچنان در عالم خیال و پندارهای موهوم خود سرگرم مقدمه‌چینی برای برانداری نظام اسلامی در ایران هستند که از آن جمله باید به حزب منحله توده ایران (تشکیلات خارج از کشور) اشاره کرد.

در این راستا اگرچه گردانندگان حزب خائن توده ایران به نتایج اعمال بیهوده و تخطئه افکار اندک افراد هوادار خود بخوبی واقفند و می‌دانند که کمترین جایگاهی در بین مردم مسلمان ایران ندارند، با این حال اعترافات اخیر مردمداران این حزب و بخصوص رهبر سابق آنان یعنی نورالدین کیانوری خواندنی است.

کیانوری: «دیرکل سابق حزب منحله توده که به همراه تعدادی دیگر از رهبران کمیته مرکزی این حزب به جرم جاسوسی و انجام فعالیتهای برانداری علیه نظام جمهوری اسلامی در اواخر ۶۱ دستگیر و زندانی شد در نامه اخیر خود به علی خاوری (که پس از فرار به خارج از کشور عنوان سابق کیانوری را ذکر می‌کند) ـ طور مفصل به دلایل به بن‌بست رسیدن حزب توده و خیانت سران آن اشاره می‌کند و از خاوری می‌خواهد که تا مسیر انحرافی گذشته را نپیماید. با همه این نامه را می‌خوانیم.

● وقتی که حزب کمونیست اتحاد شوروی از حزب ما و بخصوص از شخص من می‌خواهد که «اطلاعات مخصوص» در باره بعضی سلاحهای پیچیده که در زمان شاه معدوم در اختیار ایران گذاشته شده بود در اختیارش بگذاریم و حتی می‌خواهد که

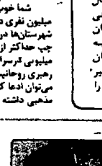

اگر بتوانیم یک فروند هواپیمای اف ۱۴ و یک راکت فینکس را به اتحاد شوروی و یا افغانستان بفرستیم و ما هم به علت همان وابستگی با آگاهی به عواقب آن به انجام این کار تن دادیم و... حزب زیر ضربه قانونی مقامات امنیتی کشور قرار گرفت.

دوست گرامی علی خاوری

پس از سلام گرم از زندان به دلاکی که در زیر خواهم نوشت به نوشتن این نامه به شما تصمیم گرفتم. این نامه تنها و تنها نظر شخصی من است و هیچیک از دوستان دیگر رهبری حزب که با چندتن از آنان در یک بند هستیم از آن آگاهی ندارند.

۱- چرا به نوشتن این نامه دست یازیدم؟

علت اصلی این کار، موجز است نخست اینکه چرا ما در زندان هستیم و این علت را هم بگفته و هم بنوشته دوم اینکه نفرینات چندسال گذشته شما (نامه مردم) و نوشته‌های نشریه «توده» که شما و رژیم وابستگان به حزب در فروپای غربی منتشر می‌شود، تا آن اندازه که من دیدم (از سال ۱۳۶۳ تا خردادماه ۱۳۶۶) مدارای مطالبی است که با واقعیتی که ما در زندان و تا آن‌جا که آگاهی داریم در درون جامعه وجود دارد، هیچگونه مطابقتی ندارد.

نخست چرا ما اکنون در زندان هستیم و چرا حزب ما که با آن همه تلاش در چهارسال فعالیت علنی ما دوباره پس از ۲۵ سال ایستائی توانست جای پائی ـ گرچه بسیار محدود ـ در جامعه ما پیدا کند این‌طور از هم پاشید؟

واقعیت این است که این جریان خود ناک می‌باشد تخطئات (خیانتها) سنگینی است که در هر چه اول از طرف شخص من در هر چه دوم بخشی از آنها به من علت وابستگی حیثیتگی (از نظر تلفنی حزب کمونیست ایران تا امروز) چه در درون ایران و چه در جوان مهاجرت به حزب کمونیست اتحاد شوروی داشتنبه علیه منافع جمهوری اسلامی ایران و منافع خلق ما و کمونیست اتحاد شوروی از حزب ما و بویژه دبیر اول آن بخشی شخص من می‌شوند که بافشارهای مخصوص در باره بعضی سلاحهای پیچیده که در زمان شاه معدوم در اختیار ایران گذاشته شده بود (در اختیارش بگذاریم) و حتی می‌خواهد اگر بتوانیم یک فروند هواپیمای اف ۱۴ و یک راکت فینکس را به اتحاد شوروی و یا افغانستان بفرستیم و ما هم به علت همان وابستگی با آگاهی به اینکه انجام آن می‌تواند به نابودی حزب ما و خودما و هزاران مرد و زن تن می‌کند ـ که زیر شعارهای علنی حزب در جبهه پشتیبانی از جمهوری اسلامی به دور ما گرد آمده شود، به این خواست تن درداده و برای انجام آن دست به اقداماتی زده (توافق اولیه با سازمان مخفی و جاسوسی آن اطلاعات شوروی که حزب کمونیست شوروی از ما می‌خواست و تحویل آن اطلاعات به مقامات شوروی که چیزی در هرف قوانین همه کشورها جز جاسوسی نام ندارد، حزب را زیر ضربه قانونی مقامات امنیتی کشورمان نهاد. این است که این وابستگی یک حزب سیاسی به حزب یک کشور بزرگتر و نداشتن استقلال البته گناه بزرگ شخص من هم این است که این خواست حزب کمونیست اتحاد شوروی با پذیرفتم و برای انجام آن از همه امکاناتی که حزب می‌توانست به دست آورد، بهره‌گیری کردم.

این را هم بیفزایم که زیر ضربه قرار گرفتن حزب ما دلائل دیگری هم داشت که همشهریان اینجا اصرار داشتند حزب کمونیست اتحاد شوروی درزمینه لزوم همکاری حزب ما با سازمان مجاهدین خلق بوده که به علت جنایات عظیمی که در کشور مرتکب شده بود، به صورت بنادرین دشمنان تعلنها حاکمیت جمهوری اسلامی ایران یکی مردم ایران و همکاری و همسوئی حزب ما با آن جریان به طور عادی و روشن حزب ما را به صورت دشمن آشتی‌ناپذیر جمهوری اسلامی (هم حاکیت و هم اکثریت مطلق همسویان ما) درمی‌آورد و این خود به طور روشن زیر ضربه گذاشتن تمامیت حزب ما.

دوم اینکه بیم‌دارم به ندی کوتاه به برخی از نوشته‌ها و تحلیل‌های نفرینات شما:

۲- درباره ماهیت انقلاب بهمن ۱۳۵۷:

در بیانیه مشترک کمیته مرکزی تیر توده ایران و کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۶۶ (احتمالاً ممکن است ۱۳۶۴ باشد) چاپ شد، و شاد اصلی آن چنین است:

«پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران»

شما می‌نویسید انقلاب بهمن ۱۳۵۷ انقلابی بود خلقی، ضدامپریالیستی، ضدسلطه‌ای و ضدسلطنتی که به دوستی بهترین رویداد سیاسی سال‌های اخیر میهن ما ارزیابی شده است.

اما در این ارزیابی یک مسأله بسیار مهم فراموش شده است و این پارامتری در مطالعاتی که در نامه مردم ۲۰ شهریور ۱۳۶۵ (زیر ارزیابی شده است، به طور بازری نمایان می‌گردد.

در بندی «شکل مشمون و نیروی سیاسی انقلاب» این طور ارزیابی گردیده:

انقلاب بهمن ۵۷ انقلابی بود ملی، دموکراتیک با خصلت ضدسلطه‌ای و ضدسلطنتی، اما شعار اصلی آن نه ضد امپریالیستی و خلقی. انقلاب بهمن بر خلاف تبلیغات سران رژیم خصلت اسلامی داشت انقلاب بهمن دارای مشمون اجتماعی و طبقاتی بود و در عین حال این نیز یک واقعیت است که جنبش انقلابی در کشور، بنا به دلائل مبنی شکل مذهبی داشت.

به نظر من اشتباه بزرگ شما در این تحلیل است که برای انقلاب بهمن ۱۳۵۷ تنها شکل مذهبی قائل هستیم و همین اشتباه بزرگ ریشه یک سلسله سمت‌گیریهای نادرست در سایر تحلیل‌های شماست.

● من از هیچ یک از مسئولان و افراد زندانی در این چند سال که از بازداشت من می‌گذرد نشنیده‌ام که کسی بر اثر تزریق داروهای شیمیایی و روانگردانی اعتراف کرده باشد.

● من از هیچ یک از مسئولان و افراد زندانی در این چند سال که از بازداشت من می‌گذرد نشنیده‌ام که کسی بر اثر تزریق داروهای شیمیایی و روانگردانی اعترافی کرده باشد.

● آیا در مرحله کنونی که امپریالیسم آمریکا و همه همرزمانش در پیمان ناتو و همه دست‌نشاندگانش در منطقه خلیج‌فارس به تجاوز مستقیم آشکار علیه جمهوری اسلامی ایران دست زده و هر روز با اشکال و اقدامات تازه‌ای بر شدت این تجاوز می‌افزایند، دفاع ایثارگرانه جمهوری اسلامی مبارزه‌ای بی‌گیر ضد امپریالیستی نیست؟

● آیا اگر مرحله کنونی که امپریالیسم آمریکا و همه همرزمانش در پیمان ناتو و همه دست‌نشاندگانش در منطقه خلیج‌فارس به تجاوز مستقیم آشکار علیه جمهوری اسلامی ایران دست زده و هر روز با اشکال و اقدامات تازه‌ای به شدت این تجاوز می‌افزایند، دفاع ایثارگرانه جمهوری اسلامی مبارزه‌ای بی‌گیر ضدامپریالیستی نیست؟

● به نظر من اشتباه بزرگ شما (علی خاوری) در تحلیلتان است که برای انقلاب بهمن ۱۳۵۷ تنها «شکل مذهبی» قایل هستید و همین اشتباه بزرگ ریشه یک سلسله سمت‌گیریهای نادرست در سایر تحلیل‌های شماست.

● من از هیچ یک از مسئولان و افراد زندانی در این چند سال که از بازداشت من می‌گذرد نشنیده‌ام که کسی بر اثر تزریق داروهای شیمیایی و روانگردانی اعترافی کرده باشد.

نامه دبیرکل سابق حزب منحله توده ایران به علی خاوری

اعترافات کیانوری درباره خیانتهای حزب منحله توده

ضدسلطه‌ای و ضدسلطنتی، ضدامپریالیستی و خلقی. انقلاب بهمن بر خلاف تبلیغات سران رژیم خصلت اسلامی نداشت انقلاب بهمن دارای مشمون اجتماعی و طبقاتی بود و در عین حال این نیز یک واقعیت است که جنبش انقلابی در کشور، بنا به دلائل مبنی شکل مذهبی داشت.

به نظر من اشتباه بزرگ شما در این تحلیل است که برای انقلاب بهمن ۱۳۵۷ تنها شکل مذهبی قائل هستیم و همین تحلیل‌های شماست. واقعیت این است که انقلاب بهمن ۱۳۵۷ مبین، در عین داشتن خصلتهای خلقی، ضدامپریالیستی، ضدسلطه‌ای و ضدسلطنتی، ضدامپریالیستی و ملی و دموکراتیک دارای ماهیت اسلامی بوده است نه تنها شکل اسلامی. شما خودتان در بیانیه مشترک نامبرده در بالا اعتراف می‌کنید:

«در قضاوت متینک علمیی که درروزهای ناموشا وماشورا در سال ۱۳۵۷ پس از راهپیمائی با شرکت بیش از دو میلیون تن تشکیل گردید خواستهای کارگران ودیگر زحمتکشان به صراحت منعکس گردید.»

شما خوب می‌دانید که در این متینگ عظیم بیش از دو میلیون نفری در تهران ومتینگهای عظیم مشابه که در شهرستان‌ها در همان روز انجام گرفت تعداد نیروهای سازمان‌های چپ حداکثر از چند صد نفر افزون نبود ولی نیروی عظیم چند میلیونی فرسراسر کشور به طور درست نیروهای مسلمان وپیرو رهبری ارتجاعی اسلامی قرار داشتند، اما با وجود این واقعیت می‌توان ادعا کرد که بانقلاب بهمن ۱۳۵۷ به‌لا بل معنی‌شکل مذهبی داشته است.؟

۳- در باره استفاده از داروهای شیمیایی برای گرفتن اعترافات

از سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۶ اگر من بخش از نفرینات شما وگروههای وابسته در اروپای غربی این شعار تکرار می‌شود که گویا اعترافاتی را که رهبران وسخنگویان گذشته حزب توده ایران پس از بازجوئیت در زندان کرده‌اند، زیر شاق تزریق داروهای شیمیائی ویژه است. متأسفانه هر ده نوشته در ۲۷ خرداد ۱۳۶۲ این طور نوشته شده است:

«درزمان سلوک جدید که دریک دوسال اخیر در سازمان جاسوسی آمریکا وانگلستان واسرائیل با مدترین مشکلها وتاکتیک‌های جسی وروحی وروانی آشنا شده بودند، تو خود را برای جان بخترین فرزندان خلق نیز کردند.»

این ادعا ۱۳۶۲/۲/۱۶ با استناد به گفته دو پزشک مترقی فرانسوی که درباره ساختن این گونه داروها در ایالات متحده آمریکا ومراکز تهیه آنها صحبت کرده‌اند، تکرار شده است و همچنین در شماره ۳۲۰-۲-۱۳۶۲ هفته‌نامه راه توده نیز در تکرار شده است.

● من از هیچ یک از مسئولان و افراد زندانی در این چند سال که از بازداشت من می‌گذرد نشنیده‌ام که کسی بر اثر تزریق داروهای شیمیایی و روانگردانی اعترافی کرده باشد.

«ادعای تکنولوژی پزشکی وسیله در خدمت جمهوری اسلامی»

شما که خودتان در پخش همه این یکی دوسال یعنی ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰ در ایران بودید وخوب می‌دانید که حزب، در این، وزن اطلاعات دقیقی از عملکرد ارگان‌های جمهوری اسلامی به دست می‌آورد (آیا هرگز چنین اطلاعی پیدا کردید؟ آیا واقعیت این نیست کـــــــ